



بانکداری اسلامی و ابزارهای مورد استفاده در کشورهای مختلف

طهماسب مظاهری*

* رئیس کل سابق بانک مرکزی ج.ا.ا و استاد دانشگاه

تمدن بشری و توسعه مبادله کالا، دو همزاد بوده‌اند که در طول قرون و اعصار همراه یکدیگر مسیر تاریخی تکاملی خود را طی کرده‌اند. ابزارهای مبادله کالا نیز متناسب با نیاز توسعه آن، طراحی و تکامل یافت و مراحل مختلف تهاتر کالا، استفاده از ابزارهایی مانند نمک و عاج فیل و در مرحله بعدی استفاده از طلا و نقره و ضرب سکه را طی نمود. در تمام این موارد ابزار مبادله کالا از ارزش ذاتی برخوردار بودند. در مرحله بعدی به‌منظور تسهیل حمل و نقل پول، حواله و پول اعتباری شکل گرفت و سازماندهی برای نگهداری و نقل و انتقال و بهره‌برداری از آن طراحی شد و نام بانک بر آن نهاده شد. بدین ترتیب بانک و بانکداری به‌همراه پول اعتباری به‌عنوان ساختار سازمانی بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و امکانات پول اعتباری شکل گرفت. چندی بعد که مشکلات ناشی از ضریب فزاینده پول اعتباری در نظام بانکی بروز کرد، بانکداری مرکزی برای کنترل و هدایت آن، طراحی و بنا شد.

یکی از ویژگی‌ها و تفاوت‌های اساسی پول اعتباری و نظام بانکی، نسبت به پول ذاتی و بازار سرمایه، عدم نیاز به شناخت فردی و جایگزینی شناخت و اعتماد فردی با ضوابط و روش‌های رتبه‌سنجی بود. این ویژگی قابلیت پاسخگویی به نیاز جوامع و گسترش ابزارهای مبادله و عامل رشد و ترویج پول اعتباری و نظام بانکی در سراسر جهان شد. از آنجاکه این پدیده در کشورهای غربی نضج گرفت و رونق یافت، پدیده سود بانکی جزو الزامات آن قرار گرفت و با نظام بانکی عجین شد.

دو خصیصه اصلی نظام بانکی، حاکمیت رابطه "داین و مدیون" در قالب قرارداد وام، بین سپرده‌گذار - بانک - مشتری و همچنین قدرت خلق پول با بهره‌گیری از ویژگی "پول اعتباری" بود. این دو ویژگی موجب شد بانک‌ها همواره موضوع بحث و نگرانی از طرف مردم و جوامع مختلف باشند. قدرت خلق پول بانک‌ها، توان تولید نامحدود پول و افزایش نرخ تورم در جوامع را برای آن‌ها فراهم کرد، به‌ویژه آنکه پول خلق شده از این طریق، به مشتریان بانک‌ها پرداخت می‌شد. براساس تصمیم مدیر بانک، همزمان با تولید ثروت و قدرت خرید برای مشتری بانک، خلق پول می‌کرد. حاکمیت عقد "وام"، شائبه ربوی بودن معاملات را در امور بانک مطرح کرد.

ربا در تمام نظام‌های پولی و مالی مذموم شناخته شده است و اجتناب از ربا، هدف مشترک و وجهه همت تمام سیاستگذاران اقتصادی در اکثر قریب به اتفاق کشورها بوده است. لیکن در هر جامعه و کشور، تعاریف متفاوتی از ربا وجود دارد و به تبع آن، حساسیت سیاستگذاران و مراجع حقوقی و قضایی و همچنین افکار عمومی در ارتباط با ربا متفاوت است. در غرب سود حاصل از

وام را به شرط اینکه در محدوده عرف بازار باشد، ربا نمی‌دانند و آن را "بهره یا سود"^۱ می‌نامند. اگر این سود از حد عرف تجاوز کند، آن را ربا می‌دانند و برای آن از کلمه "ربا"^۲ استفاده می‌کنند. مرز بین سود و ربا متناسب با شرایط اقتصادی و نرخ تورم و در دسترس بودن اعتبارات بانکی، همچنین متناسب با وضعیت مالی و اعتبار وام‌گیرنده تعیین می‌شود و در موارد اختلاف نظر، موضوع به دادگاه ارجاع می‌شود و تشخیص قاضی مناط اعتبار خواهد بود. در آن جوامع کوشش می‌شود که عرضه پول در حد مورد نیاز بدنه اقتصاد کشور از طریق نهادهای مالی وجود داشته باشد، اعتبارات بانکی به‌میزان مکفی در دسترس باشد و متقاضیان بتوانند با ارائه طرح‌های مقبول و موجه و اثبات توانایی خود برای انجام آن، اعتبار لازم را تأمین کنند. فرض بر این است که اگر آن طرح موجه و مطالعه شده باشد و آن مشتری نیز توانایی اجرای درست و کامل آن را داشته باشد، قاعدتاً سودی از آن کار نصیب می‌شود. این سود در شرایط رقابتی قاعدتاً رقم درشتی نخواهد بود و به‌طور طبیعی بین مؤسسه وام‌دهنده و مجری طرح تقسیم می‌شود. در این کشورها برخورد با کسانی که از محدوده کار اعتباری خارج و به محدوده وام ربوی وارد می‌شوند، بسیار سخت و جدی است و مجازات‌های سنگینی برای اشخاص حقیقی و حقوقی که وام‌های ربوی می‌دهند اعمال می‌شود. اعمال قانون حتی منوط به شکایت وام‌گیرنده نیست و رضایت وام‌گیرنده برای پرداخت ربا، مانع مجازات وام‌دهنده نیست. اجتناب از ربا در این جوامع به‌عنوان یک اقدام منطقی و علمی برای حفظ و صیانت از قوام امور اقتصادی آن جوامع شناخته شده و با آن رفتار می‌شود.

مذمت ربا در جوامع اسلامی از دو جهت با جوامع غربی تفاوت دارد:

اول- لزوم اجتناب از آن در درجه نخست به‌دلیل حرمت دینی و وحی آسمانی است. دلایل عقلی و منطقی علمی و تجربه بشری دلایل بعدی آن است. این یکی از مصادیق انطباق آموزه‌های دینی با علم و عقل بشری است. به‌همین دلیل حرمت ربا و لزوم اجتناب از آن در جوامع اسلامی از استحکام بیشتری برخوردار است.

دوم- الزام وام‌گیرنده به پرداخت اضافه بر اصل وام، هر چند اندک، به‌عنوان ربا محسوب می‌شود. حرمت ربا و الزام اجتناب از آن، به‌همراه توسعه حجم مبادلات تجاری و نیازهای سرمایه‌گذاری موجب شد که در طول قرون و اعصار تلاش‌های فکری گوناگونی به‌عمل آید تا روش‌های مختلف سرمایه‌گذاری و تجارت طراحی و تدوین شود. در تدوین این روش‌ها همواره دو هدف مد نظر

¹ Interest

² Usury

بوده است: اول آنکه توان پاسخگویی به نیازهای جامعه را داشته باشد. دوم آنکه به حیطة ربا وارد نشود.

این روش‌ها به مرور متکامل‌تر شد و در قالب بسته‌های مشخص شکل گرفت. این بسته‌ها در هر بخش اقتصادی با ملاحظه ماهیت فعالیت‌ها و نقل و انتقال پولی و میزان مسئولیت‌پذیری و ریسک هر یک از طرفین معامله، تعاریف و گردش کار مشخصی را تعریف کرد و اصول و مبنای معاملات تجاری و سرمایه‌گذاری و نقل و انتقالات مالی را روشن کرد. برای هر کدام از این قراردادهای مشخص، یک نام معین انتخاب شد و مجموعه این قراردادهای مشخص به‌عنوان عقود اسلامی شناخته شد و کاربردهای اصلی هر یک به مرور تعریف شد. برخی از این ابزارها، به‌شرح زیر تنظیم و ترویج شد:

- در بخش تجارت؛ **مضاربه**
 - در بخش کشاورزی با فرض مالکیت سرمایه‌گذار و قبول مسئولیت کشت و داشت و برداشت توسط کشاورز، به نام **مزارعه**
 - با فرض اینکه کشاورز فقط مسئولیت داشت و برداشت و آبیاری را برعهده داشته باشد تحت عنوان **مساقات**
 - در سرمایه‌گذاری‌های مشترک تحت عنوان **مشارکت مدنی**
 - در تأمین اعتبار برای تولید مسکن یا تأمین ابزار تولید؛ **اجاره به شرط تملیک**.
 - در خرید و فروش دارایی‌های ثابت؛ **فروش اقساطی**
 - در اخذ خدمات فنی برای تبدیل مواد اولیه به کالای مصرفی؛ **جعاله**
 - برای تأمین مواد اولیه و ساخت محصول؛ **استصناع**
- در کنار این تلاش فکری مثبت و سازنده، روش‌هایی برای حفظ ربا، طراحی و در برخی بازارها مورد عمل قرار گرفت. این روش‌ها از طریق تغییر عنوان و در قالب محورهای مختلف از جمله موارد زیر تنظیم می‌شد:
- الف- معامله صوری
- ب- معامله واقعی یک کالا به قیمت غیرواقعی
- ج- معامله واقعی یک کالا به قیمت واقعی با شرط اقاله آن پس از انجام معامله و پرداخت خسارت
- د- قرائت صیغه بیع و تحویل و پرداخت وجه آن و توافق به هبه کالای مورد معامله به فروشنده.

این روش‌ها با نیت "حیله بر قانون" رواج نسبی یافت و مورد استقبال کسانی قرار گرفت که رونق کسب و کار خود را وابسته به ربا می‌دانستند و با معامله ربوی ظاهرالصلاح، خود یا دیگران، یا هر دو را گول می‌زدند. در مقابل علمای دین در پاسخ به استعلام‌ها و استفتائات، محتوای این حیله‌گری‌ها را برای مردم روشن کردند و آن را منطبق بر احکام اسلام ندانستند. پرسش‌ها با تعبیر مختلف و ترفندهای گوناگون، با پاسخ مشابه و یکسانی از طرف مراجع هوشیار و شجاع مواجه می‌شد: "حیله بر ربا حرام است".

بدین ترتیب بازار سرمایه سنتی با بهره‌گیری از عقود اسلامی در کنار و دوشادوش نظام بانکی فعالیت و نشو و نما کردند. بازار سرمایه سنتی در مقیاس و شعاع عملیات محدود، در سطح شهر و محلات و بر مبنای شناخت و اطمینان افراد از یکدیگر، فعالیت می‌کرد. در کنار بازار سرمایه سنتی، بازار پولی سنتی براساس قرارداد "وام" و با بهره‌گیری از روش‌های حیله بر ربا نیز در مقیاس بسیار کوچک جریان داشت. ویژگی بازار سنتی پولی، مذموم بودن آن در نظر و نگاه افراد جامعه و در همان حال عدم منع قانونی برای آن فعالیت بود. رباخواران در این بازار، افراد شناخته شده‌ای بودند که از دید مردم به امری ناپسند اشتغال داشتند و در همان حال مورد مراجعه افرادی بودند که به اضطرار دچار شده بودند و برای رفع مشکل حاد خود، نیاز به پول داشتند. رباخواران نیز خود را گره‌گشای مشکلات این افراد محسوب می‌کردند و با این توجیه، خود را راضی می‌کردند.

پس از استقرار جمهوری اسلامی، فرصتی فراهم آمد که با بهره‌گیری از تجربیات بازار سرمایه و پختگی نسبی عقود اسلامی، راه حلی برای مسئله ربا در نظام بانکی اندیشیده شود. یک کار گروهی پر تلاش و مستمر، با همت و پیگیری مسئولان بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه (وقت) و وزارت امور اقتصادی و دارایی و استعانت از تعدادی از علمای دینی شروع شد. این کار با قبول لزوم بهره‌گیری اقتصاد کشور از نظام بانکی و پولی دنبال شد و هدف دو مرحله‌ای برای خود تعریف کرد:

مرحله اول؛ حذف ربا از عملیات بانکی

مرحله دوم؛ تدوین اصول و مبانی بانکداری با پول اعتباری و بر مبنای اصول اسلامی پس از حدود یک سال و نیم، مرحله اول چارچوب و روش قابل ارائه برای حذف ربا از عملیات بانکی تدوین و در قالب قانون و آیین‌نامه‌های آن، عمدتاً براساس موازین و اصول عقود اسلامی پادار گردید.

عقود اسلامی، معاملات دوجانبه است و نظام بانکداری از ساختاری سه جانبه (سپرده‌گذار-بانک-مشتری) برخوردار است. بنابراین کار اصلی در تدوین قانون و عملیات بانکی بدون ربا، طراحی ابزارهای عملیاتی است. به نحوی که اولاً؛ با اصول و مبانی بانکی منطبق باشد. ثانیاً محتوا و اصول آن عقود را حفظ کند. در همان زمان قرار گذاشته شد که قانون عملیات بانکی بدون ربا برای یک دوره ۴ تا ۵ ساله اجرا شود و در این مدت دو اقدام همزمان و موازی انجام شود:

اول- نتایج حاصل از اجرای قانون و نقاط ضعف و قوت آن قانون ارزیابی و جمع‌بندی شود.

دوم- پژوهش‌های پایه‌ای در خصوص مفاهیم بانکداری اسلامی به عمل آید و جایگاه بانک به‌عنوان واسطه و جوه در یک نظام اقتصادی با پول اعتباری تبیین شود.

آن‌گاه براساس نتایج حاصل از این دو مطالعه، قانون بانکداری اسلامی تدوین و به مورد اجرا گذاشته شود.

ریسک‌های بانکداری در پنج عنوان کلی قابل تقسیم است؛ ریسک بازار-ریسک اعتبار-ریسک نقدینگی-ریسک بازده-ریسک بهره برداری.

در این میان ماهیت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری سنتی از نظر محتوا و روش مهار ریسک، متفاوت است. بقیه ریسک‌ها در هر دو روش مشابه است و از روش مهار یکسانی برخوردارند.

ابزارهای مورد استفاده در روند تبدیل بانکداری سنتی به بانکداری بدون ربا را می‌توان به چهار گروه اصلی زیر تقسیم کرد:

- ۱- ابزارهای مورد استفاده در نظام بانکی سنتی که مورد تأیید قرار گرفته و و تنفیذ شده است.
 - ۲- ابزارهایی که در نظام بانکداری سنتی وجود داشته و به دلیل عدم انطباق با مبانی فقهی، حذف شده است.
 - ۳- ابزارهای جدیدی که براساس مبانی بانکداری بدون ربا طراحی و در نظام بانکی سنتی تعبیه و افزوده شده است.
 - ۴- ابزارهای مورد استفاده در نظام بانکی سنتی که با اعمال اصلاحاتی اجازه استفاده در نظام بانکی بدون ربا را اخذ کرده‌اند. برخی اصلاحات در عنوان‌ها با حفظ مفهوم و محتوا و برخی دیگر اصلاح در مفهوم و محتوا با حفظ عنوان‌های قبلی بوده است.
- همزمان با اقدامات و تدابیری که در جمهوری اسلامی ایران برای تبدیل بانکداری سنتی به بانکداری بدون ربا انجام می‌شد، بانک توسعه اسلامی به‌عنوان نهادی پیش‌تاز در این حوزه، فعالیت مشابهی برای تدوین ضوابط و مقررات بانکداری اسلامی را شروع کرد و به مرور، طی

سالیان مختلف آن را غنی بخشید. متعاقب آن کشورهای اسلامی نیز به این تحول پیوستند. مالزی، ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده پیش‌قراول هستند. در چند سال اخیر، حتی کشورهای غربی نیز از بانکداری اسلامی به‌عنوان یک روش نوین بانکی استقبال کردند. نقطه مشترک تمام کوشش‌ها، پیوند عقود اسلامی با ساختار بانکی و طراحی و تدوین ابزارهای بانکی متناسب برای تطبیق عقود با عملیات بانکی است. به‌رغم اینکه روش مورد عمل در کشور ما و در بانک توسعه اسلامی و در سایر کشورها مشابه بوده و همه از عقود بازار سرمایه استفاده کرده‌اند و به‌رغم اینکه اصول و مبانی دین اسلام روشن و ثابت است و همه تعریف واحدی از ربا دارند و همه آن را مذموم می‌دانند، لیکن به‌دلیل تفاوت‌های موجود در دستورات عمل‌های اجرایی و فتاوی مراجع و فرقه‌های مختلف اسلامی، بانکداری اسلامی در کشورهای متفاوت از تنوع برخوردار است و ابزارهایی که برای تعبیه و امتزاج عقود اسلامی با ساختار بانکی طراحی شده متنوع و گوناگون است. یکی از مهم‌ترین عوامل موجهه این تنوع، حاکمیت پول اعتباری در نظام بانکی و تأثیرپذیری ارزش آن از سیاست‌های دولت است. پول اعتباری به منزله یک مسئله مستحده است و هنوز اجماع نظر روی آن وجود ندارد.

- اشتراک نظرهای موجود در بانکداری اسلامی کشورهای مختلف، نقطه اتکای مشترکی است که به تعالی و رشد آن کمک می‌کند و نقاط اختلاف، عواملی برای تبادل نظر و تجربه بین کشورهای مختلف اسلامی است. امید این است که این تبادل نظر و تجربه بین فرقه‌ها و روش‌های بانکداری اسلامی بتواند به رشد و توسعه و ترویج آن بی‌انجامد.

- اهتمام دولت مالزی به توسعه بانکداری اسلامی، موجب شد حجم تأمین منابع به روش بانکداری اسلامی در مالزی در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۵ سالانه ۴۰ درصد رشد کرده است. در این مقاله، برخی عنوان‌ها و ابزارهای مورد استفاده در کشور مالزی را برای مقایسه با عنوان‌ها و مفاهیم مشابه در بانکداری اسلامی ایران ارائه می‌شود.

در هر یک از عقود، مشتری به‌عنوان پیشنهادکننده^۱ و بانک به‌عنوان پیشنهادپذیر^۲ با یکدیگر مذاکره می‌کنند.

هر قرارداد براساس سه محور منعقد می‌شود: موضوع عقد، عاقدین، صیغه عقد.

^۱ Offeror

^۲ Offeree

هر یک از محورهای شرایط صحت خود را دارند که در واحد تطبیق عملیات^۱ بررسی و در صورت تأیید به جریان می‌افتد.

شرایط موضوع عقد شامل: قانونی بودن، آشنایی دو طرف با آن، توانایی طرف قرارداد به تأمین و تحویل کالا یا خدمت موضوع قرارداد و واقعی بودن آن است.

شرایط عاقدین شامل: بلوغ فردی و قانونی، رشید و عاقل بودن است.

شرایط صیغه عقد شامل: ارتباط عقد منتخب به موضوع قرارداد، تأیید پیشنهاد مشتری، روشن بودن پیشنهاد و صراحت تأییدیه آن، اجتناب از جملات مشروط یا مبهم، اعلام شفاهی و یا اقدام به عملی که تلویحاً نشانه آمادگی دو طرف به انجام معامله باشد با این شرط که این تأیید بی‌درنگ کتبی و امضا شود و جاری شدن صیغه عقد با فعل ماضی ساده است.

انعقاد قرارداد از طریق ایجاب^۲ و قبول^۳ انجام می‌شود.

- ایجاب، اعلام تمایل مشتری برای انجام معامله است و عمدتاً از طرفی مطرح می‌شود که مالکیت دارایی را انتقال می‌دهد.

- قبول، تأیید طرف مقابل برای انجام آن معامله است که عمدتاً توسط خریدار یا انتقال‌گیرنده دارایی مطرح می‌شود.

ابزارهای تأمین مالی دو نوع هستند:

- تأمین مالی براساس داین و مدیون^۴

- تأمین مالی براساس دارایی^۵

عقود نوع اول؛ از قبیل مرابحه، اجاره، سلام، استصناع است

عقود نوع دوم؛ از قبیل مضاربه و مشارکت

- در عقود نوع اول بانک در سود و زیان حاصل از فعالیت اقتصادی که مشتری با اعتبارات مأخوذه انجام می‌دهد، ذی‌نفع نیست. اصل اعتبار به‌علاوه سود مورد توافق بر ذمه مشتری است. این نوع عقود مشابه عقود مبادله‌ای در ایران است.

¹ Compliance Department

² Offer

³ Acceptance

⁴ Debt/Credit-Based

⁵ Equity-Based

- در عقود نوع دوم بانک و مشتری در منافع حاصل از فعالیت اقتصادی شریک هستند. نسبت شراکت از قبل توافق می‌شود. بانک می‌تواند سهم سود خود از مشارکت را پس از یک حد معین به مشتری هبه کند. مشارکت در سرمایه و سود قابل انجام است. عقود مشارکت به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱- عقود مشارکت دائمی

۲- عقود مشارکت پایان پذیر^۱. در این عقود، سهم بانک با هر پرداخت مشتری کاهش می‌یابد تا اینکه مشتری مالک کلیه سرمایه‌گذاری شود. میزان دخالت و نظارت بانک در مدیریت طرح مشترک، قابل توافق است. بانک می‌تواند حق مدیریت را به مشتری تفویض کند. برخی از مهم‌ترین عنوان‌ها و ابزارهای مورد بهره‌برداری در بانکداری اسلامی در مالزی، به شرح زیر است.

- مرابحه کالاهای عمومی^۲: این ابزار برای عملیات خرید و فروش کالاهای عمومی استفاده می‌شود. دو طرف قرارداد باید از جنس و کیفیت و قیمت کالای خریداری آگاه باشند و در خصوص سود خرید و فروش توافق کنند. این عقد در خصوص مبادله پنج کالای زیر در ازای همان کالا ممنوع است: طلا، نقره، گندم، خرما، جو. این ابزار از عقود است که بیش از سایر عقود در معرض آفت تبدیل به وام است. عدم مصرف وجوه اعتباری در خرید و فروش کالای مورد توافق، فروش کالا قبل از تحویل آن، مصرف وجوه برای خرید کالایی که قبلاً خریداری شده است و انجام معامله به صورت صوری از جمله زمینه‌های انحراف این عقد است.

این عقد مشابه مضاربه در بانکداری اسلامی در ایران است.

- لیزینگ در قالب دو روش؛ لیز عملیاتی، لیز تأمین مالی، اجاره.

- عقود بر مبنای حق الزحمه ارائه خدمت؛ شامل قرارداد نمایندگی، امانت فروشی، جعاله.

- عقود بر مبنای وثیقه؛ شامل کفالت، رهن، حواله، ودیعه، خرید دین.

- عقد وام بدون بهره؛ قرض الحسنه

- برای تأمین منابع خرید دارایی ثابت، ابزار بیع، بیت هامن اجیل^۳، یا استصناع و یا اجاره مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

^۱ Diminishing Musharakah

^۲ Commodity Murabaha

^۳ Bithaman Ajil

- اوراق صکوک، اوراق با پشتوانه دارایی‌های ثابت، بازده مطمئن و قابل انتقال به غیر است. برای اجتناب از شائبه ربا، خریدار این اوراق در منافع حاصل از سرمایه‌گذاری فروشنده اوراق شریک می‌شود. شرایط ویژه مشارکت تنظیم می‌شود. از جمله اینکه مشتری از حق خود در مشارکت در مدیریت طرح صرف‌نظر می‌کند، حق دخالت در مدیریت مشارکت را به ناشر اوراق تفویض می‌کند. مشتری می‌تواند حق درخواست تقسیم دارایی را از خود سلب کند. مشتری می‌تواند مسئولیت محاسبه سود سرمایه‌گذاری را به فروشنده اوراق مشارکت تفویض کند. در مقابل نسبت به اخذ سود علی‌الحساب بین دوره‌های اقدام کند.

صکوک دو نوع مختلف دارد: صکوک شرکتی^۱ و صکوک دولتی^۲. صکوک در مالزی ۱۴ نوع مختلف دارد. صکوک اجاره^۳ و صکوک جهانی^۴ دو نوع اصلی از اوراق صکوک هستند.

عاملیت انتشار و مدیریت اوراق می‌تواند به یک شرکت پروژه (واسط)^۵ سپرده شود. توریق^۶ یا تصکیک^۷ مراحل انتشار اوراق صکوک است که دارایی‌های ثابت یا حقوق مالکانه یا منافع موجود در یک دارایی ثابت قابل ارائه در بازار می‌شود.

طبق قانون سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۸ صکوک نه سهام شرکت‌های حقوقی است و نه اوراق قرضه.

صکوک قابل معامله^۹ از قبیل صکوک اجاره یا مشارکت امکان مالکیت بخشی از یک معامله یا سرمایه‌گذاری را دارد.

صکوک غیرقابل معامله^{۱۰} از قبیل صکوک سلم یا مرابحه.

- مستقل از تفاوت‌های موجود در عنوان‌ها و فتواهای موجود در فرقه‌های اسلامی در کشورهای مختلف، مبنای مشترک روش‌ها و ابزارهای مورد عمل در بانکداری اسلامی، عقود و قراردادهایی است که دو طرف معامله را در سود و زیان حاصل از اعتبارات بانکی سهیم می‌کند. با این

¹ Corporate Sukuk

² Sovereign Sukuk

³ Ijarah Sukuk

⁴ Global Sukuk

⁵ SPV: Special Purpose Vehicle

⁶ Tawriq

⁷ Taskik

⁸ AAOIF: Accounting and Auditing organization for Islamic Financial Institutions

⁹ Tradeable

¹⁰ Non-Tradeable

ترتیب تقسیم منافع از حیثه ربا خارج و در حیثه تقسیم سود قرار می‌گیرد. لیکن همزمان به- دلیل سهیم بودن بانک در سود و زیان فعالیت‌ها، لزوم حضور و دخالت بانک در امور مدیریتی و تصمیمات روزانه شرکت بیشتر می‌شود. با توجه به ابعاد بسیار بزرگ فعالیت‌های بانکی، امکان این حضور و دخالت و نظارت به‌صورت دقیق و مؤثر، سخت بلکه ناممکن است. به‌همین دلیل ابزارهای بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف سعی کرده روش‌هایی را ابداع کنند که سود بانک را مشخص و ثابت کند و به تبع آن، دخالت بانک در امور روزانه طرح و مشتری را کاهش دهد. هر مقدار که روش‌هایی از قبیل هبه سود مازاد یا تضمین حداقل بازده موجب ثابت‌تر شدن سود بانک می‌شود، میزان سهیم بودن بانک در سود و زیان طرح کم‌رنگ‌تر می‌شود. با توجه به اینکه خط مرز وام و ابزارهای مختلف مشارکتی، سهیم بودن سرمایه‌گذار در سود و زیان طرح است، این روش‌ها موجب می‌شود که محتوای قراردادها به وام نزدیک‌تر شود. در برخی موارد این اقدامات مرز وام را درنور دیده و با حفظ اسم و عنوان و حتی متون قراردادی متناسب با مشارکت، تبدیل به یک قرارداد وام شده و سود حاصل از آن در نگاه مردم و علمای دینی، به عنوان ربا شناخته می‌شود. به‌عنوان مثال قرارداد خرید و شرط برگشت اجاره^۱ قراردادی متشکل از دو عقد اسلامی است که ترکیب آن یک معامله وام با نرخ سود ثابت را تشکیل می‌دهد.

- یکی دیگر از ویژگی‌های ابزارهای بانکداری اسلامی این است که در صورت اجرای دقیق و کامل آن، ضریب فزاینده پولی بانک عامل، عدد کوچکی خواهد بود. اعتبارات اعطایی به مشتریان همچنان جزو منابع بانک خواهد بود که به‌صورت مشاع با مشتری در یک پروژه به- کار گرفته می‌شود. از این‌رو اعتبارات مصوب برای یک پروژه، موجب افزایش سپرده بانک و منبعی برای اعطای اعتبار به پروژه‌های دیگر نمی‌شود.

امید است با تعامل و انتقال تجارب کشورهای مختلف، نوآوری صاحب‌نظران و ابداع روش‌های اصیل و دقیق، با شناخت کافی از محتوای مبانی اسلامی؛ به‌همراه شناخت ماهیت فعالیت‌های اقتصادی، نظام بانکداری براساس اصول و مبانی اسلامی و به دور از ربا در جوامع بشری مستقر شود و منافع آن به تمام مردم برسد.

¹ Purchase & Lease back